



یادداشت

راه کار اعتصاب عمومی است

صادق کار



دولت به بهانه گرمای هوا روزهای چهارشنبه و پنج شنبه این هفته را تعطیل عمومی کرد. با این وصف و گرمای پنجاه درجه در عسلویه و مناطق نفتی خوزستان کارگران را از این قاعده مستثنی نمود و معلوم کرد سلامتی کارگر برایش بی اهمیت است. اعتراض کارگران به این تبعیض آشکار، نیز منجر به تعطیلی و تغییر نظر دولت نشد.

اعلام تعطیلی عمومی دو روزه که در واقع بواسطه کمبود برق و نگرانی از اعتراض مردم به آن انجام گرفت و با احتساب روز جمعه سه روزه شد، بیش از همه اعتراض و سر و صدای کسبه را برانگیخت. البته قبلا نیز تعدادی از واحدهای پتروشیمی و فولاد را برای اجتناب از قطع طولانی برق خانگی قطع کرده بودند که اعتراضاتی را نیز به دنبال داشت.

در گزارشاتی که از اعتراضات کسبه در فضای مجازی منتشر شد همه ی آنها بدون استثنا ضمن رد دلیل دولت برای تعطیل دو روزه نسبت به آن اعتراض نموده و گفتند با تعطیل کردن ناخواسته محل های کسب و کارشان متحمل ضرر و زیان شده اند. تعدادی نیز از دولت طلب خسارت می کردند که البته روشن است دولت پولی بابت خسارت به آنها نخواهد داد.

تعطیلی دو روزه اندکی بعد از تعطیلی محرم که معلوم بود خسارات آنها را بیشتر کرده است بر ناراحتی عده ای از کسبه افزوده بود. تعطیلی دو روزه در واقع در مجموع خسارت مالی بزرگی نه تنها برای مردم خصوصا اهل کسب و کار دارد برای کشور نیز خسارتبارتر است و لطمات زیادی از لحاظ اقتصادی دارد. در دولت های متعارف همینطوری کشور را دو روز کلا تعطیل نمی کنند. یعنی وضعیت جامعه به نحوی است که کمتر نیازی به تعطیل کشور بخاطر گرما پیش بیاید. در تعدادی از کشورها که در هفته های اخیر با موج کم سابقه گرما روبرو شدند، با باز گذاشتن درب ادارات و موسسات و قرار دادن آب و وسایل خنک کنند و انتشار رهنمود و توصیه هایی در رسانه های جمعی به مردم با گرما زدگی، با موج گرما بر خورد کردند.



اما در ایران از آنجا که حکومت توان مدیریت و توسعه زیر ساخت ها را ندارد و مردم گاه و بیگاه با قطع برق، آب، و گاز مواجه می شوند و سال به سال هم متأسفانه بواسطه نبود برنامه ریزی و عدم افزایش ظرفیت تولید کمبود ها و قطع برق و آب و گاز بیشتر می شود. حالا کار بجایی رسیده که بخاطر سنو مدیریتها در تابستان محل های کسب و کار مردم را تعطیل می کنند و آنان را از کسب درآمد محروم می سازند.

این در حالی است که ایران هر چند از کم آبی رنج می برد، اما از لحاظ گاز و نفت و انرژی خورشیدی و بادی بسیار غنی و ثروتمند است و اگر حکومت درستی داشته باشد می تواند با ساختن نیروگاه ها به راحتی کمبود برق و گاز را رفع و از همان امکانات کمبود آب شیرین را مانند کشورهای دیگر مدیریت و بر طرف کند.

اما از آنجا که ما با حکومتی، فاسد، ناکارآمد و سرکوبگر مواجه هستیم سال به سال به جای پیشرفت و توسعه دچار پسرفت می شویم و نتیجه این می شود که عده ای از مردم را مجبور به تعطیلی کسب و کارشان می کنند و عده دیگری را در هوای ۵۰ درجه خوزستان به سر کار می فرستند. یعنی آنهایی را که بواسطه گرمای شدید جان شان در معرض خطر است سر کار می فرستند و آنهایی را که باید سرکار و زندگی شان باشند به بهانه گرمای ۴۰ درجه تعطیل می کنند.

مشکل مردم اما فقط اینها نیست، مردم با دهها مشکل دیگر هم مجبورند دست و پنجه نرم کنند و حکومت نیز نه تنها کاری برای رفع مشکلات آنان نمی کند، بلکه هر روز مشکلات تازه ای برای شان بوجود می آورد.

اکثریت مردم به استثنای گروه های محدودی که به نحوی از انجا از وضع موجود سود زیادی می برند، هریک درگیر مشکلات خود هستند. بیشتر مشکلات نیز مشکلاتی هستند که حکومت برای آنها بوجود آورده. وضعیت هم سال به سال بدتر و زندگی برای مردم دشوارتر می شود. صحبت این است با اینکه همه می دانند مشکلات و فشار ها بر مردم مرتباً زیادتر می شود چرا مشترکاً دست به اقدامات جدی و موثر برای رهایی از این مشکلات نمی کنند. مغازه و کارگاه و کارخانه های زیادی را دو روز بستند و مردم را از کار و کاسبی انداختند. تصورش را بکنید اگر همان هنگام که کسبه و مردم در شهرهای کردستان اعتصاب عمومی کردند، یا همان موقع که در تهران عده ای مغازه هایشان را بستند، یا همان موقع که کامیون داران و کارگران پیمانکاری ها در جنوب اعتصاب کردند، شما اهل کسب و کار هم به آنها می پیوستید، امروز دیگر جرات تعطیل کردن محل کسب و کارهای شما را نداشتند. عزیزان شکوه و شکایت و یا گرفتن فیلم از گله و شکایت هایتان و فرستادن آنها به رسانه ها برای افشاگری خوب ولی راه کار چندان موثری نیست. راه کار موثر اعتصاب و برنامه ریزی برای اعتصاب سراسری به منزله کلید رهایی از وضعیتی است که روز به روز بدتر می شود و مقابله با آن دشوارتر و پرهزینه تر. تا ته مانده امکانات کشور به غارت و باد فنا نرفته باید متحد شد و کشور و آینده فرزندان مان را نجات دهیم. اگر متحد عمل کنیم حتم بدانید پیروز می شویم!

از اعتراضات کارگران، معلمان و بازنشستگان و سایر مزد و حقوق بگیران برای

افزایش دستمزد و حقوق و سایر مطالبات سندیکایی حمایت کنیم!

برقرار و مستحکم باد پیوند میان جنبش زن، زندگی آزادی با جنبش مطالباتی کارگران

و مزد و حقوق بگیران!

کار کودک: علل و عواقب تداوم فقر بخش سیزدهم
برنامه بین المللی برای محو کار کودک
ژان مانیات



در مکزیک کودکان بسیاری در بخش کشاورزی کار می کنند

3.2. طرح‌های ملی برای پیشگیری از کار کودک و ریشه کن کردن آن

قبل از پرداختن به موضوع برنامه‌ها و راهبردهای توسعه ملی و کاهش فقر، باید به "طرح‌های ملی پیشگیری و ریشه کنی کار کودکان" اشاره کرد که دستورات عملی و راهبردهایی را مشخص می کند که کشورها برای دستیابی به هدف پیشگیری از کار کودک و ریشه کن کردن آن از آنها پیروی می کنند. این طرحها در بخش عمده ای از کشورهای آمریکای لاتین توسط کمیسیونهای ملی متخصص در موضوع کار کودکان تهیه شده اند.

:کشور زیر (از 18 کشور مورد مطالعه) در آمریکای لاتین دارای این نوع برنامه هایند 14

آرژانتین: طرح ملی برای پیشگیری و ریشه کنی کار کودکان در آرژانتین، 2006؛

بولیوی: طرح ملی ریشه کنی تدریجی کار کودکان در بولیوی، 2000-2010؛

برزیل: طرح ملی پیشگیری و ریشه کنی کار کودکان و حمایت از کارگران نوجوان در برزیل، 2004؛

شیلی: طرح پیشگیری و ریشه کنی قطعی کار کودکان و نوجوانان در شیلی، 2001-2010؛

کلمبیا: سومین طرح ملی برای ریشه کنی کار کودکان و حمایت از کار جوانان در کلمبیا، 2003-2006؛



کاستاریکا: دومین برنامه ملی اقدام برای پیشگیری و ریشه کنی کار کودکان و حمایت ویژه از نوجوانان شاغل در کاستاریکا، ۲۰۱۰-۲۰۰۵؛

اکوادور: طرح ملی برای پیشگیری و ریشه کنی تدریجی کار کودکان در اکوادور، ۲۰۰۵؛

گواتمالا: طرح ملی برای پیشگیری و ریشه کنی کار کودکان و حمایت از نوجوانان شاغل در گواتمالا، ۲۰۰۱؛

هندوراس: برنامه اقدام ملی برای ریشه کنی تدریجی و قطعی کار کودکان در هندوراس، ۲۰۰۱-۲۰۰۶؛

نیکاراگوئه: برنامه استراتژیک ملی برای پیشگیری و ریشه کنی کار کودکان و حمایت از نوجوانان شاغل در نیکاراگوئه، ۲۰۰۱-۲۰۰۵؛

پاناما: طرح ملی ریشه کنی کار کودکان و حمایت از نوجوانان شاغل در پاناما، ۲۰۰۷-۲۰۱۱؛

پاراگوئه: طرح ملی پیشگیری و ریشه کنی کار کودکان و حمایت از نوجوانان در پاراگوئه، ۲۰۰۳-۲۰۰۸؛

پرو: طرح ملی پیشگیری و ریشه کنی کار کودکان پرو، ۲۰۰۵؛

اروگوئه: طرح اقدام برای پیشگیری و ریشه کنی کار کودکان در اروگوئه ۲۰۰۳-۲۰۰۵

همچنین، السالوادور، هندوراس، نیکاراگوئه، پاراگوئه و جمهوری دومینیکن از برنامه های خاصی برای ریشه کن کردن بدترین اشکال کار کودکان و به ویژه برای مواردی که متوجه استثمار جنسی تجاری از دختران، پسران و نوجوانان اند، برخوردارند. مشخصاً

السالوادور: طرح ملی برای ریشه کنی بدترین اشکال کار کودکان ۲۰۰۶-۲۰۰۹، و برنامه اقدام ملی علیه بهره کشی جنسی تجاری از پسران، دختران و نوجوانان ۲۰۰۱-۲۰۰۴؛

هندوراس: طرح اقدام ملی علیه استثمار جنسی تجاری ۲۰۰۶-۲۰۱۱؛

نیکاراگوئه: طرح ملی علیه استثمار جنسی تجاری از دختران، پسران و نوجوانان ۲۰۰۳-۲۰۰۸؛

پاراگوئه: طرح ملی پیشگیری و ریشه کنی بهره کشی جنسی از دختران، پسران و نوجوانان ۲۰۰۳؛

جمهوری دومینیکن: برنامه راهبردی ملی برای حذف بدترین اشکال کار کودکان ۲۰۰۶-۲۰۱۶، و برنامه اقدام جمهوری دومینیکن برای ریشه کنی سوء استفاده و بهره کشی جنسی تجاری از پسران، دختران و نوجوانان



تحلیل هر یک از این طرحها خارج از محدوده این تحقیق است. با این حال، ذکر آنها به عنوان دلیلی بر نگرانی کشورها در مواجهه با مسئله و لزوم داشتن این نوع برنامه ها دارای اهمیت است. همچنین، تحقیق سازمان بین المللی کار در همین مورد توضیح روشنی در مورد طرحهای مشابهی ارائه می دهد که نشاندهنده ناهمگونی مشکلات مربوط به هر کشور است. تحقیق نامبرده خاطرنشان می کند که "بخش عمده‌ای از طرحها فاقد ابزارهای کافی برای پیگیری اند و این شناسایی تنگناها و تعیین حدود مسئولیتها را به طور جدی محدود می کند. بنابراین، بخش بزرگی از طرحها بیان نیاز بسیار به شناسائی مسئله - از جمله فهرست هنجارها و چارچوب مفهومی - اند و دقت را در امر سازماندهی از دست می دهند. طرحهای مذکور همچنین برآوردی از منابع موجود یا ضرور برای اجرائی کردن وظایف شناسایی شده را شامل نمی شوند و در برخی موارد حتی تعریف شاخصها و اهدافی که راستای اجرا را مشخص کنند، وجود نداشت

یکی دیگر از نکات مهم مورد تأکید تحقیق سازمان بین المللی کار این است که "علیرغم تلاشی که این طرحها برای برقراری ارتباط با سایر طرحهای موجود - عمدتاً در مورد دوران کودکی، فقر و آموزش - به خرج می دهند، حتی با تشریح طرحهای مختلف و جزئیات تعهدات آنها، اما مشخص نمی شود که آیا طرحهای ملی پیشگیری و ریشه کنی کار کودکان تجمیعی از برنامه های ناظر به «بخش معینی اند یا نه

برنامه‌های ملی پیشگیری و ریشه‌کنی کار کودکان، عناصر ضرور برای دستیابی به اهداف پیشنهادی در زمینه کار کودکان را تشکیل می‌دهند، اما این به خودی خود کافی نیست؛ بلکه نیاز به سیاستها، برنامه‌ها و راهبردهای گسترده‌تری وجود دارد. بنابراین مهم است که به تجزیه و تحلیل برنامه های ملی و استراتژیهای توسعه و کاهش فقر پردازیم تا روشن شود که آیا جامعیت لازم در این برنامه ها و استراتژیها وجود دارد یا خیر

مبارزه متحدانه برای توقف اعدام ها و آزادی کلیه زندانیان سیاسی را تشدید کنیم!

ما از جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی حمایت می کنیم!



مبارزه با فقر مطلق، از ادعا تا واقعیت

صادق



در هفته گذشته و به دنبال گزارشی که در خصوص افزایش جمعیتی که در فقر مطلق به سر می برند منتشر شد، صولتی وزیر کار رژیم بر حسب نقش و وظیفه‌ای که وزارتخانه او در این خصوص دارد مجبور شد دهان باز کند و از برنامه دولت برای از بین بردن فقر مطلق خبر بدهد.

در هفته گذشته حسین راغفر از اقتصاد دانان منتقد سیاستهای اقتصادی رژیم تعداد جمعیت زیر خط فقر را ۵۰ درصد کل جمعیت دانست و روزنامه اعتماد به نقل از وی نوشت: "به نظر نمی رسد تعداد افرادی که امروز زیر خط فقر مطلق قرار گرفته‌اند، کمتر از ۵۰ درصد جمعیت کشور باشد"

آمار رسمی جمعیت زیر خط فقر مطلق قبلا معادل ۳۰ درصد جمعیت کل کشور اعلام شده بود. بنا بر این آمار حسین راغفر از این نظر تازگی دارد و با واقعیت امروز کشور بیشتر از آمارهای رسمی دستکاری شده انطباق دارد. مطابق برخی گزارشها تعداد جمعیت زیر خط فقر مطلق فقر در دو سال گذشته نیز بیشتر شده است.

البته بنا به برخی گزارشها روند افزایش جمعیت زیر خط فقر مطلق طی یک دهه گذشته جاری بوده و سال به سال بر سرعت آن افزوده شده است

افزایش حاشیه نشینی، زباله گردی، کودکان کار و خیابانی، زنان و دختران تن فروش، پشت بام و کانپیر و گور خوابی، افزایش کودکان بازمانده از تحصیل، افزایش جرم و بزه کاری، پرهیز جوانان از ازدواج در کنار اعتراضات بی سابقه معیشتی همه روزه کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته، همگی عموماً انعکاس افزایش جمعیت فقر زده هستند، که وزارت کار بر خلاف وظیفه و فلسفه وجود خود نقش زیادی در افزودن بر این جمعیت عظیم رانده شده به زیر خط فقر مطلق داشته و وزیر کار کنونی در این کار گوی سبقت را از همه ی وزرای پیشین ربوده است



اصولا افزایش جمعیت فقیر از پیامدهای اجتناب ناپذیر سیاستهای رژیم و دولت رئیسی است. این را با نگاهی به عملکرد و سیاستهای فقر افزون آنها حتی با رجوع به برخی از آمارهای رسمی دستکاری شده هم می شود دانست. برای از بین بردن فقر مطلق نیمی از کل جمعیت کشور، کلیه سیاستها و رویکردهای تا کنونی رژیم یعنی همه آن سیاستهایی که رژیم بخاطر پیشبرد آنها، آدم می کشد، شکنجه می کند، زندانها را از عدالت خواهان و آزادیخواهان لبریز کرده است، باید زیر و رو شود

وزیر کار رژیم در شرایطی سخن از داشتن برنامه برای از بین بردن فقر مطلق می گوید، که از آغاز شروع وزارت اش تا کنون، با امتناع از افزایش دستمزدها، به مجلس بردن لایحه تغییر قانون کار، قانونی کردن کار کودکان و احیای مناسبات قرون وسطایی استاد شاگردی، افزایش سن و کاهش حقوق بازنسیستگی، توافقی کردن دستمزدها و غیره به افزایش فقر مطلق و استمرار آن کمک کرده است. او به دروغ ادعا می کند نرخ بیکاری و نرخ بیکاری زنان را کاهش داده است، اما طبق آمار رسمی نرخ اشتغال زنان که در زمستان ۱۴۰۰ قبل از دولت رئیسی ۱۷ درصد بود امسال به زیر ۱۴ درصد سقوط کرده است. اتفاقا بخش بزرگی از جمعیت در خط فقر مطلق را زنان تشکیل می دهند. بر اساس آمار دیگری که به تازگی منتشر شده، اکثر جمعیتی که در فقر مطلق به سر می برد، کسانی هستند که شاغل هم هستند. یعنی سطح دستمزدهای این جمعیت کثیر در حد خط فقر است. انوقت این آقا و دولت حاضر نمی شوند دستمزدهای زیر خط مطلق را حتی به اندازه تورم روز افزایش دهند. برخورد دولت با بازنشستگان تامین اجتماعی را که اکثر شان جزء جمعیت فقر زده هستند را ببینیم که فکر و ذکر وزیر کار ارتجاع شده کاهش حقوق، اجرا نکردن هم سان سازی، افزایش هزینه های پزشکی و دارویی بازنشستگان. با کدام یک از این کارها می شود نیمی از جمعیت زیر فشار فقر مطلق را از میان برداشت؟ نگاهی به سیر نزولی سقوط ارزش پول در مقابل ارزهای خارجی در طول دو سال گذشته، افزایش چند باره قیمت مواد خوراکی، هزینه مسکن، آموزش، درمان، این ها نیز عواملی هستند که به افزایش فقر مطلق کمک کرده اند. باز گرداندن قیمتها به دو سال پیش و یا بجای آن افزایش دستمزدها و برقراری سوبسید برای کالاهای اساسی اولین کاری است که می تواند این روند را متوقف کند. دولت حاضر است یکی از این راه ها را بپذیرد؟ مسلما نه، برای اینکه این کار به منزله زدن ریشه سیاستهای رژیم است. یگانه طرح دولت دادن برای از بین بردن فقر مطلق یارانه نقدی است. اما این هم بهانه ای است برای حفظ سیاستهای فقر و فلاکت بار رژیم و تن ندادن به مطالبات مردم. یارانه نقدی اگر شفا بخش درد جمعیت زیر خط فقر بود می باید تا کنون اثری از فقر مطلق باقی نمی گذاشت و نه باعث افزایش مداوم آن می شد. در کشور ثروتمندی مانند ایران تقصیر این همه فقر و نابرابری و بی عدالتی به عهده رژیم اسلامی و از نتایج سیاستها و کارکرد های آن است. در ایران علاوه بر نیمی از جمعیت که در خط فقر مطلق زندگی می کنند، قریب ۳۵ درصد دیگر نیز در زیر خط فقر نسبی و یا در مرز آن قرار دارند. به عبارتی قریب ۸۵ درصد مردم یا فقیرند و یا از فقر شدید رنج می برند. نسخه های محافظه کارانه اقتصادی و سیاسی رژیم تا کنون تنها به بدتر کردن وضع منجر شده و حالا کار بجایی رسیده که مردم باید نگران نان خالی شان هم باشند. رژیمی که ۴۴ سال نتوانسته وضع مردم را بهبود بدهد، لیاقت حکومت بر مردم را ندارد و باید از سر راه جامعه برداشته شود و سیستم حکومتی مدرن، کارآمد و دمکراتیکی جای آن را بگیرد. همه ی حرفها، نقدها و مخالفتهایی که با رژیم و عملکرد هایش از جوانب مختلف می شود، خوب اند، اما تا وقتی که به عمل مشترک برای برچیدن رژیم و استقرار نظامی دمکراتیک و عادلانه فرا نرویند، هیچ چیز به نفع مردم تغییر نخواهد کرد

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

به بیکاران باید حقوق پرداخت شود و تحت پوشش تامین اجتماعی قرار داشته باشند!



نان باز گران شد، دستمزدها نه



به دنبال گران شدن ۲۰ درصدی نان در مشهد قیمت نان بنا به گزارش برخی رسانه ها تا کنون در ۱۳ استان افزایش داده شده و به احتمال قریب به یقین افزایش قیمت به زودی به سراسر کشور تعمیم پیدا خواهد کرد.

وزیر کشور، اساساً گران شدن نان را تکذیب و از آن اظهار بی اطلاعی نموده، با این حال به گزارش برخی رسانه ها محمد برزعلی رئیس سازمان جهاد کشاورزی گلستان در ۱۲ مرداد ضمن تأیید افزایش قیمت نان جزئیات قیمت جدید را نیز اعلام و گفت: "از این پس قیمت نان سنگک با وزن ۶۰۰ گرم هر عدد ۹ هزار تومان، بربری با وزن ۵۰۰ گرم هر عدد ۷ هزار و ۵۰۰ تومان و تافتون با وزن ۲۰۰ گرم هر عدد ۴ هزار تومان خواهد بود"

گفتنی است که چند ماه پیش نیز قیمت نان در نانوایی های که آرد سهمیه ای می گیرند پس از ماه ها کشمکش بر سر سهم آرد و گران شدن پول برق و آب مستقیماً از طرف اتحادیه های نانوایان گران شد و متعاقب آن قیمت نان در نانوایی های موسوم به (پخت آزاد) نیز به پنج تا شش برابر در نانوایی های دارای آرد سهمیه ای شد.

افزایش دوباره قیمت نان واقعیتی است که تکذیب و بی اطلاعی وزیر کشور و دیگر مقامات دولتی از آن تغییری بوجود نمی آورد. کلاً تکذیب و انکار وقایع و وارونه جلوه دادن آنها در حکومت به رویه ای مزمن تبدیل شده و مقامات دولتی با وجود اینکه می دانند مشقت شان پیش مردم باز شده و مردم حرفها و آمارهایی را که دولت سعی می کند به خورد شان بدهد به تمسخر می گیرند، با این وصف از آنجا که قادر به رفع مشکلات یا کاهش آنها نیستند، به رویه خود ادامه می دهند.

افزایش قیمت نان این پر مصرفترین ماده غذایی دهها میلیون شهروند ایرانی در شرایطی طی دو سال اخیر به صورت پیاپی افزایش داده شده که افزایش شدید و مستمر سایر مواد غذایی دسترسی اکثر مردم به آنها را بخشا و در مواردی کلاً ناممکن کرده است. یک هفته پیش از این نیز روزنامه ها خبر افزایش قیمت محصولات لبنی و فرا رفتن قیمت گوشت از ۵۰۰ هزار تومان در کیلو را منتشر کردند.



آمار هایی که از افت شدید فروش مواد پروتئینی، گوشت، مرغ، شیر، تخم مرغ و مواد جایگزینی مانند ماکارونی، برنج، حبوبات، سیب زمینی و کربوهیدراتها منتشر شده، حاکی از فقر روز افزون مردم و روی آوردن بیشتر ناگزیر آنان به سوی نان است. حالا با گران شدن بیشتر نان عملاً دسترسی عده زیادی از مردم به نان هم محدودتر خواهد شد.

دولت می کوشد مانند موارد پیشین با فرافکنی و رفع مسئولیت از خود تقصیر گران شدن نان را به عهده نانوا دارها بیندازد، ولی بدون آنکه بکلی منکر نقش داشتن برخی نانوا دارها بشود شد، مقصر اصلی گرانی نان دولت و سیاست گذاری های دولتی است. دولت از یک سو سوبسید مواد غذایی را از میان برداشته و قیمت ارز کالاهای اساسی را هفت برابر افزایش داده و باعث گران شدن آنها شده است، قیمت برق، آب، سوخت و همچنین مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم را به شدت افزایش داده و در همان حال قدرت خرید اکثر مردم را کاهش داده است، از سوی دیگر می خواهد با زور و تهدید به دور از منطق مانع افزایش اجتناب ناپذیر قیمتها و تورم شود. بهمین جهت این بار نیز در کنار انکار و تکذیب به تهدید روی آورده است. کما اینکه متعاقب انتشار خبر گرانی نان، خبرگزاری ایسنا از قول محمد دهنوی معاون برنامه ریزی امور "اقتصادی استاندار گلستان نانوا دارها را به لغو جواز کسب تهدید کرد و گفت

تصمیم گرفتیم سهمیه نانواپی‌های متخلف را در اسرع وقت باطل کنیم و روند باطل شدن جواز آنان را سرعت بدهیم. بیش از ۳۰ نانواپی سوپر آزاد متخلف در استان شناسایی شده‌اند که پیش‌بینی می‌شود "عدد نانواپی‌های متخلف به ۵۰ عدد برسد و جواز فعالیت همه آنها در آینده نزدیک باطل خواهد شد

آری دولت می داند که گران کردن مواد غذایی خصوصاً نان در بستر نارضایتی های گسترده از رژیم، آنهم با وجود یک جنبش انقلابی سراسری تسلیم ناپذیر ناپذیر می تواند نقش زلزله ۷ ریشتری را برای رژیم می که پایه های قدرت آن مدت‌هاست به لرزه افتاده داشته باشد. اما در عین حال نمی تواند مانع از گران شدن قیمت نان شود. بهمین جهت علی الظاهر، افزایش قیمت نان را انکار و تکذیب می کند و در نهایت نیز اگر ببیند اعتراض گسترده‌ای با آن نمی شود، چشم بر آن می بندد. مهم نیست که چه کسی نان را گران کرده است، مهم عامل گرانی نان و سیاست هایی است که باعث این کار و فقر و تنگدستی بیشتر مردم شده اند. عوامل رژیم از آن جمله برخی خبرگزاری های وابسته به نیروهای امنیتی البته تلاش خواهند کرد با نشانه رفتن انگشت اتهام بسوی صاحبان نانواپی ها و کسبه مردم را به جان هم بیندازند تا خودشان را در امان نگه بدارند. نان بازهم گران شد اما دولت کما فی سابق از افزایش دستمزد کارگران طفره می رود

در واقع ترس از تبدیل گرانی نان به زلزله است و یگانه راه پایان دادن به این دوره تسلسل باطل مقابله اعتراضی گسترده و متحدانه همه گروه های اجتماعی تحت ستم و فشار به گرانی نان و سرکوب و استبداد و همان چیزی است که رژیم از آن وحشت دارد

اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!

نابود باد استبداد و بی عدالتی!

کار، رفاه، آزادی، کرامت انسانی!



کمین حمایت از قربانیان در برابر پرونده‌سازی‌های امنیتی و صدور احکام قضایی !! احکام قضایی علیه کارگران بی‌پایه و ظالمانه است! به این رویه‌ی ناعادلانه پایان دهید

هر روز که می‌گذرد دستگاه قضایی جمهوری اسلامی شمار بیش‌تری از کارگران را از صنوف و رشته‌های گوناگون براساس ادله‌ی بی‌پایه‌ی امنیتی، تحت رویه‌های ناعادلانه محکوم می‌کند.

در روزها و ماه‌های اخیر گروه‌هایی از کارگران از جمله روزنامه‌نگاران، معلمان و فرهنگیان با همین رویه‌های ساختگی به سال‌ها زندان و دیگر محرومیت‌های اجتماعی محکوم شده‌اند. چنین رویه‌هایی در حیات جمهوری اسلامی فراوان بوده‌اند. برای نمونه پروژه‌ی امنیتی پیرامون دو مسافر فرانسوی که ۱۲ نفر از فعالان کارگری را نیز درگیر کرده است مصداق بارز پرونده‌سازی و صدور احکام ناعادلانه به قصد جلوگیری از هرگونه فعالیت سازمان‌یافته صنفی کارگران است.

دستگاه‌های امنیتی طی یک سناریو با صحنه‌گردانی صدا و سیما، جمهوری اسلامی و سپس هیاهوی رسانه‌ای توسط خبرگزاری‌های مهر، تسنیم، فارس، مشرق و مشرق نیوز پروژه‌ی رسانه‌ای گسترده‌ای را تحت عنوان «جزئیات دستگیری دو جاسوس فرانسوی در ایران» کلید زدند و با ادعای خبر دستگیری و بازداشت دو فرد اروپایی که با هدف سوءاستفاده از مطالبات به حق برخی از صنوف و اقشار کشور و تغییر جهت مطالبات عادی به آشوب، وارد کشور شده‌اند پروپاگاندای وسیعی به راه انداختند.

در جریان این پرونده‌سازی اعضای کانون صنفی معلمان: رسول بدافی، اسکندر (سوران) لطفی، مسعود نیکخواه، شعبان محمدی، جعفر ابراهیمی و محمد حبیبی، اعضای سندیکا شرکت واحد اتوبوسرانی: رضاشهبابی، حسن سعیدی، داوود رضوی و از دیگر فعالان کارگری: کیوان مهندی (نویسنده و مترجم)، آنیشا اسدالهی (مترجم و فعال کارگری) و ریحانه انصاری‌نژاد (کارگر یازنشته) در اردیبهشت ۱۴۰۱ بازداشت شدند.

آخرین نمونه‌ی این پرونده‌سازی صدور حکم ۴ سال حبس برای ریحانه انصاری‌نژاد، فعال کارگری یازنشته است. این حکم در شعبه‌ی ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی و بر مبنای گزارش وزارت اطلاعات برپایه‌ی اتهام انتسابی به اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور صادر شده است. بر اساس این حکم، ریحانه انصاری‌نژاد به ۴ سال حبس تعزیری و به عنوان مجازات تکمیلی به مدت دو سال به محرومیت



از عضویت در احزاب، گروه‌ها، دستجات سیاسی و فعالیت در فضای مجازی، رسانه‌ها و مطبوعات و خروج از کشور محکوم شده است.

بنا به اظهار وکیل ریحانه انصاری فر این پرونده نیز مانند بسیاری از پرونده‌های موسوم به پرونده‌های امنیتی در تمام مراحل دادرسی، از زمان تشکیل تا صدور حکم، مملو از موارد بسیاری از نقض و نادیده گرفتن قوانین است.

پرونده‌هایی که با اتهامات واهی و با شکایت نهادهای امنیتی تشکیل شده و ماموران این نهادها، به عنوان ضابط قضایی در پرونده حضور داشته و کیفرخواست و رای صادره در آنها نیز بر مبنای گزارش ایشان و بدون توجه به دفاعیات متهم و وکیل پرونده تنظیم و صادر می‌شود. این‌گونه پرونده‌سازی‌های امنیتی براساس اطلاعات ساختگی و اتهام جاسوسی به دو تبعه‌ی فرانسوی (که عضو سندیکای کارگری در فرانسه هستند) شکل می‌گیرد.

ملاقات دو کارگر فرانسوی با تشکل کارگرانی از تشکل‌های مستقل در ایران بنا به عرف بین‌المللی در همبستگی کارگران اتحادیه‌ای کشورهای جهان، رفتاری معمول و شناخته شده است و ربطی به مناسبات بین دولت‌ها ندارد. بنابراین نمی‌توان عنوان جاسوسی را به دو تبعه فرانسوی نسبت داد. به همین دلیل دستگاه‌های امنیتی با تغییر این اتهام به «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور» به تشکیل دادگاه و محاکمه متهمان این پرونده اقدام کرده‌اند.

گفتنی است که آخرین متهم این پرونده ساختگی، یعنی خانم انصاری‌نژاد، هیچ ارتباطی با کل این ماجرا نداشته است اما از آنجا که ایشان، به عنوان یک فعال کارگری، به صراحت از حق قانونی خود در دفاع از حقوق و منافع کارگران اصرار دارد، این حکم ناعادلانه برای ایشان نیز صادر شده است.

ما امضاکنندگان این بیانیه ضمن حمایت از کارگران و فرهنگیان و سایر فعالان کارگری و مطبوعاتی خواهان برچیده شدن پرونده‌سازی‌های امنیتی و عدم مداخله دستگاه امنیتی بر روند محاکمات در دادگاه متهمان صنفی و سیاسی و همچنین برقراری دادگاه‌های عادلانه با حضور هیئت‌منصفه با حضور وکیل متهمان در تمامی روند بازجویی و محاکمه بازداشت‌شدگان هستیم.

در جایی که نهادهای امنیتی هم شاکی و هم بررسی‌کننده‌ی پرونده هستند، تاکید بر حق شهروندان برای دسترسی به وکیل انتخابی در تمامی مراحل بررسی و بازجویی بیش از هر زمان ضروری است. ما امضاکنندگان این بیانیه، هرگونه روند قضایی که فاقد این ویژگی باشد را ناعادلانه و مصداق نقض حقوق متهم دانسته و آن را محکوم می‌کنیم.

ما خواهان لغو و بی‌اثر شدن تمامی احکام ناعادلانه‌ای که تاکنون بدون امکان دفاع متهمان و وکلای انتخابی از سوی آنان صادر شده است هستیم. همچنین خواهان آزادی بی‌قید و شرط تمامی بازداشت‌شدگان و زندانیان این پرونده و کلیه زندانیان اعتراضات مردمی علیه بی‌عدالتی‌های موجود، از جمله نقض آزادی‌های فردی و اجتماعی هستیم.



اعتصاب کارگران غیر رسمی نفت برای اعتراض به اخراج همکاران شان یک تشکل کارگری در ایران خیر دادکارگران غیر رسمی پالایشگاه نفت آبادان همراه با کارگران بخش تعمیرات (اورهال) در اعتراض به اخراج چند تن از همکاران، فقدان امنیت شغلی، و پایین بودن دستمزدها اعتصاب کردند.



بیانیه شورای هماهنگی

تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران در حمایت از تجمعات مسالمت‌آمیز بازنشستگان کشوری و تامین اجتماعی (یکشنبه‌ها و سه شنبه‌های اعتراضی)

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، حمایت قاطع خود را از اعتراضات صنفی تمامی بازنشستگان اعم از کشوری و تامین اجتماعی اعلام نموده، از تمامی فرهنگیان شاغل و بازنشسته دعوت می‌نماید که در سه‌شنبه‌های اعتراضی در کنار دیگر همکاران بازنشسته اعتراض خود را به روند موجود اعلام دارند تا ضمن حمایت از همکاران خود، مانع از ادامه این وضعیت آزار دهنده و ظلم آشکار شوند. شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران



تعلل مسئولین امنیتی در اعزام کارگر زندانی رضا شهبانی به مرخصی پزشکی عمل جراحی. (۳ مرداد ۱۴۰۲)



مقایسه فریدون ها و کارگران زندانی

حسن فریدون به جرم فساد مالی و رشوه به زندان محکوم شده است.

اعضای سندیکا رضا شهبانی، داود رضوی و حسن سعیدی به جرم دفاع از حقوق خود و جنگ کارگران به اعدام علیه امنیت ملی محکوم شده‌اند و در زندانند.

رضا شهبانی و داود رضوی دچار بیماریهای جدی و منحل شده هستند. رضا شهبانی سالها پیش عمل می‌شد و اخیراً دکترها گفتند باید فوری جراحی شود. داود رضوی در زلزل مشکلات جسمی متعدد و وحیم باید تا اکنون حکم منع تحمل تحمل ششمان گشایش می‌شد، اما به این دو کارگر زندانی مرخصی پزشکی نمی‌دهند. چرا چون کارگران و به قدرت و مقامهای از ماکتبت وصل هستند.

اما حسن فریدون از تبراه هاه برای درمان در مرخصی پزشکی به تبر می برد. چرا چون به قدرت حاکم وصل است.

وقتی به قدرت وصل باشی همه چیز در خدمت تو است. حتی اگر مال مردمی باشی از این نمونه ها بسیار داریم. امثال طبری زندانی. شوم هم داریم.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه خواستار صدور حکم عدم تحمل حبس و آزادیفوری داود رضوی می باشد.

در دنیای عجیبی به سر می‌بریم قرار بود پر دستان کارگر بوسه زده شود اما نه تنها بوسه زده نشد بلکه کارگری را که برای معیشتش اعتراض کرده و تنها عرشش حق خواست می‌باشد به زندان می‌برند. هزار و یک سناریو می‌چینند که او را علیه امنیت ملی قلمداد کنند؛ خود و خانواده‌اش را تحت فشارهای روحی و اقتصادی قرار می‌دهند، به طوری که از نظر جسمی صدمه جدی می‌بیند و بعد تازه بایستی پول درمان ناقصش را هم از جیبش بپردازد.

حسن سعیدی آزاد باید گردد





اخراج ۲۵ کارگر نساجی بروجرد؛ کارگران کارخانه اعتصاب و تجمع کردند
مرداد ۱۴۰۲ ۱۵
صدها تن از کارگران کارخانه نساجی بروجرد در اعتراض به اخراج ۲۵ تن از همکاران شان توسط کارفرما، اعتصاب و در محوطه شرکت تجمع کردند.





تجمع کارگزاران مخابرات روستایی آذربایجان غربی
کارگزاران مخابرات روستایی آذربایجان غربی در اعتراض به تاخیر پرداخت حقوق تجمع کردند
تجمع کارگزاران مخابرات روستایی آذربایجان غربی
به گزارش خبرنگار ایلنا، پیرو تاخیر در پرداخت حقوق و عدم واریز حقوق تیرماه، کارگزاران مخابرات روستایی
استان آذربایجان غربی در مقابل دفتر مدیر منطقه مخابرات استان تجمع کردند و خواستار منظم شدن
پرداخت حقوق شدند....



تجمع و راهپیمایی اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی اهواز
امروز یکشنبه ۱۵ مردادماه ۱۴۰۲ بازنشستگان تأمین اجتماعی اهواز مقابل سازمان تأمین اجتماعی این
شهر دست به تجمع و راهپیمایی زدند.

از مبارزه کارگران برای انحلال شرکتهای پیمانکاری و واسطه ای و علیه قراردادهای
موقت تحمیلی حمایت می کنیم!

کمیته های اعتصاب را در کارخانه ها و ادارات تشکیل دهیم!

*برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:

sabosob@gmail.com

*"جنگ کارگری" نشریه گروه کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را

می توانید در آدرس زیر ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>